



## Fiefs in Mazandaran during The Qajar Period (1795-1925)

Masomeh Yadollahpour-Arabi<sup>1</sup> | Shahram Yousefifar<sup>2</sup> | MohammadAli Kazembeigi<sup>3</sup>

**GANJINE-YE  
ASNAD**  
Historical Research &  
Archival Studies Quarterly

Research paper

### Abstract:

**Purpose:** To investigate the policy, methods and development of fief in Mazandaran during the Qajar period and its consequences.

**Method and Research Design:** Archival records and library resources were described and analyzed.

**Findings and conclusions:** Through the first half of the 13th century, the Qajar government considered fief in Mazandaran on the basis of the province's foreign and domestic policy in order to provide security in the northern borders of the country as well as Mazandaran province. But in the second half of the century since the government was unable to manage and supervise the fiefs, it confronted economic crisis in Mazandaran. In order to solve its financial problems, the government adopted the policy of restoring and selling lands which was very effective in expanding private ownership and had its own consequences.

**Keywords:** Land rent; Land revenue; Fief; Qajar; Mazandaran.

**Citation:** Yadollahpour arabi, M., Yousefifar, S., & Kazembeyki, M. A. (2022). Tiyuldari system in Mazandaran during Qajar reign (1795-1925). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 110-135 | doi: 10.30484/ganj.2022.2949

1. PhD student of Iranian Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author).  
masoom8227@yahoo.com

2. Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran.  
shyousefifar@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran.  
mabeyki@ut.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2949

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 110 - 135 (26) | Received: 16, May, 2021 | Accepted: 24, Aug, 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی  
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

# نظام تیول داری در مازندران در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق)

معصومه یدالله پور عربی<sup>۱</sup> | شهرام یوسفی فر<sup>۲</sup> | محمدعلی کاظم بیگی<sup>۳</sup>

## چکیده:

**هدف:** بررسی سیاست تیول داری در مازندران دوره قاجار و تحولات و پیامدهای آن.  
**روش / رویکرد پژوهش:** پژوهش در چارچوب مطالعه تبیینی-توصیفی و با استفاده از اسناد آرشیوی و دیگر منابع انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** دولت قاجار در نیمه اول سده ۱۳ق بر بنیاد الزامات سیاست خارجی و داخلی ولایت مازندران، سیاست خالصه‌سازی اراضی این ولایت را به منظور بهره‌وری ثابت مدنظر داشت. دولت می‌خواست با واگذاری اراضی خالصه در قالب تیول به افراد، هم با تأمین نیروی نظامی ولایتی امنیت را در سرحدات شمالی کشور و در داخل ولایت مازندران محقق کند و هم موجب کارگزاران امور دیوان را پرداخت کند؛ ولی در نیمه دوم این قرن، به سبب کاهش توان دولت در اعمال نظارت بر تیول‌ها، اقتصاد روستایی در مازندران دچار آسیب شد و دولت به ناگزیر سیاست فروش خالصه‌جات و سپس استرداد انواع تیول‌ات مازندران را در دستور کار خود قرار داد که پیامد و تغییراتی چون کاهش اراضی دیوانی و گسترش مالکیت خصوصی را به دنبال داشت.

**کلیدواژه‌ها:** اجاره زمین؛ درآمدهای ارضی؛ خالصه؛ نظام تیول داری؛ قاجار؛ مازندران.

**استناد:** یدالله پور عربی، معصومه، یوسفی فر، شهرام، کاظم بیگی، محمدعلی. (۱۴۰۱). نظام تیول داری در مازندران دوره قاجار (۱۳۴۴-۱۲۱۰ق). *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۱۱۰-۱۳۵.

doi: 10.30484/ganj.2022.2949

۱. دانشجوی دکتری ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)  
masoom8227@yahoo.com

۲. استاد، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

shyousefifar@ut.ac.ir

۳. دانشیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

mabeyki@ut.ac.ir



## گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.30484/GANJ.2022.2949

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۱۱۰ - ۱۳۵ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲

تحقیقات تاریخی

## ۱- مقدمه

در عصر قاجار انواع اصلی زمین داری (خالصه، خصوصی، وقفی) تحول چشمگیری را به خود ندید، ولی از نظر وسعت، در اقسام این اراضی تغییراتی پدید آمد که این مسئله نشان می‌دهد نظام تیول‌داری یا به عبارتی زمین‌داری در دوره قاجار را باید در ارتباط با اندیشه مالکیت و در بستر دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی و تحولات سیاسی دوره مذکور بررسی کرد. سیاست اعطای اراضی تحت عنوان تیول و به تبع آن تیول‌داری که هر دو میراث ادوار پیش از قاجار بودند، در سده سیزدهم هجری قمری حیاتی تازه یافتند. زمین‌داری در چارچوب سیورغال<sup>۱</sup> دست‌کم در سطح واژگان و اصطلاح هم‌چنان کاربرد داشت، ولی در عمل جای خود را به تیول داده بود. بدین ترتیب که در این قرن، هر صاحب‌منصبی یک یا چند روستا را در تیول خود داشت و مواجب خودش و ابواب‌جمعی‌اش از محل سهم دریافتی از درآمد اراضی ذی‌ربط تأمین می‌شد. به‌طورکلی اعطای درآمد زمین به‌عنوان حقوق یا مواجب هم می‌توانست با معافیت مالیاتی و اختیارات محلی همراه باشد و هم بدون آن. تیول نوعی شیوه بهره‌برداری از عواید زمین بود و در مازندران به‌مفهوم واگذاری درآمد (نه مالکیت) مساحتی معین از اراضی کشاورزی از جانب دولت برای پرداخت مواجب افراد دیوانی و لشکری بود و تعریف واحدی نداشت. بدین صورت که تیول‌دار یا عواید اراضی و یا بنابه معمول بخشی از نتیجه تولید را که باید به‌صورت مالیات به دولت پرداخت می‌شد، تصاحب می‌کرد (لمبتن، ۱۳۶۲، ص ۲۶۶؛ ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ص ۵۱۰). اغلب قرای مازندران در این دوره به‌صورت خالصه‌جات تیولی بودند؛ یعنی تیول‌ها از املاک خالصه داده می‌شدند و روال واگذاری آن‌ها بنابه فرمان شاه بود (ساکما، ۵۳۰۹۲-۲۴۰، شماره برگ ۲).

در مطالعه موضوع حاضر، چند پرسش مدنظر است:

۱. سیاست و روش تیول‌داری در مازندران دوره قاجار چگونه بود؟
۲. پیامدهای سیاست تیول‌داری چه بودند؟
۳. به‌دنبال گسترش نظام تیول‌داری در مازندران چه تغییر و تحولاتی در این ولایت روی داد؟

موقعیت خاص جغرافیایی مازندران در اتخاذ نوع سیاست‌های اداره این ایالت نقش مهمی ایفا می‌کرد. سیاست اقتصادی حکومت در این منطقه خالصه‌سازی اراضی و واگذاری تیول به افراد برای تأمین منابع مالی لازم بود. در پی خالصه‌سازی، بسیاری از روستاها به‌شکل تیولی واگذار شدند و بعد از مدتی بهره‌برداری از این تیول‌ات موروثی شد. رویه ناکارآمد اداره تیول‌ات باعث شد تا دولت به ناگزیر این املاک را به صورت مشروط

۱. این واژه از سیورغ‌آمایش به‌معنای هبه و بخشش گرفته شده، ولی در دوره‌های مختلف از نظر معنا و محتوا تغییراتی داشته‌است. از دوره صفوی جهت‌گیری اعطای سیورغال به سمت طبقات مذهبی گرایید (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۶۵).



واگذار کند. یکی از نتایج این روند، رشد مالکیت خصوصی و تغییر شرایط اجتماعی کشاورزان در مازندران در اوایل قرن ۱۴ ق بود.

## ۲- پیشینه و روش تحقیق

آن کاترین سواين فورد لمبتن بخشی مفصل از کتاب «مالک و زارع در ایران» را به بررسی کلی زمین‌داری در دوره قاجار، از جمله تیول، اختصاص داده است. محمدعلی کاظم‌بیگی هم در کتاب «جامعه، سیاست و اقتصاد در مازندران، ایران ۱۸۴۸-۱۹۱۴م [۱۲۶۴-۱۳۳۲ق]» (۲۰۰۲م)<sup>۱</sup> و نیز در مقاله «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران» (۱۳۸۹ش) به تیول‌داری و روش پرداخت حقوق نظامیان در این ولایت به‌ویژه اصلاحات مالی در مجلس اول و به موقعیت نظامی افرادی چون امیرمؤید سوادکوهی و اقدامات او می‌پردازد که با موضوع مقاله حاضر ارتباط دارد. زهرا نادى و همکاران نیز در مقاله «تأثیر تجاری‌شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار» (۱۳۹۷ش) در مبحث روش‌های غیرقانونی تصرف زمین به وضعیت تیول در مازندران اشاراتی دارند. پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و سایر منابع به بررسی توصیفی-تبیینی سیاست اعطای تیول از سوی دولت قاجار، و شیوه گسترش اراضی تیول و پیامدهای این سیاست در مازندران اختصاص دارد.

## ۳- روال واگذاری تیول

تیول در مازندران بنابه فرمان شاه و با رعایت تشریفات و اگذار و اغلب از خالصه‌جات مرغوب داده می‌شد (ساکما، ۹۲۲۶-۲۴۰، شماره برگ ۰۴). از فحوای فرمان‌های واگذاری تیول، چنین برمی‌آید که مستوفیان دیوان موظف بودند تا شرح فرمان را در دفاتر خلود ثبت کنند و گزارش‌های مالیاتی ولایات تحت نظارت خود را در دفاتر ثبت آن ولایات وارد کنند (ساکما، ۲۴۰-۴۳۹۸۷، شماره برگ ۱۰) در واقع محاسبه جمع و خرج کشور به‌ویژه تخمین مخارج اداره قشون با مستوفیان دیوان بود. صاحبان تیول در مازندران اغلب رؤسای طوایف و افراد دیوانی بودند. آنان تیول را درازای مواجب خود دریافت می‌کردند و این نوع پرداخت به محل مواجب معروف بود. تیول به دو شکل دائم و موقت به افراد واگذار می‌شد. ذکر کلمه «تیول ابدی و احسان سرمدی» در سند فرمان‌ها، بیانگر واگذاری دائمی تیول بوده است. گاهی در زمان واگذاری تیول علاوه بر انتفاع مالی به آبادانی ولایات خراب نیز توجه می‌شد و پذیرش قرای آباد و خراب باهم شرط می‌شد تا قرایی هم که بر اثر بی‌توجهی مباشران ویران شده بودند

1. Kazembeyki, Mohammad-Ali. (2002). Society, Politics and Economics in Mazandaran, Iran 1848-1914. London: Routledge.



آباد شوند. برای نمونه قریه صنم خالصه سابق که تیول محمدخان شاهبیتای بود قرار بود بعداز فوت محمدخان به ابراهیمخان قاجار واگذار شود. در مجاورت این قریه سه قریه ویران به نامهای خرماکلا، طولاندره و کشکا قرار داشتند که به ابراهیمخان قاجار پیشنهاد شد بهتر است خراب و آباد را باهم بردارد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۰۹۸، ۳۹۲). «این بلیه در این ولایت عام است [و] خالصهها و تیولات از عدم توجه مباشرین خراب [شده‌اند]»؛ بنابراین «قریه خرابه مال دیوان و ضرر هم مال دیوان باشد» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۰۹۸، ۳۹۲)

واگذاری اراضی باتوجهبه موقعیت تیول/تیولدار فرق می‌کرد و به‌ویژه زمانی که تیولدار فوت می‌کرد، اگر کسری موجب داشت، حقوق و مزایای آن به‌راحتی و طبق دستورالعملی ساده قابل‌انتقال بود و وارثانش می‌توانستند امتیاز تیول متوفی را به‌سود خود حفظ کنند. برای نمونه تیول قوشچی‌باشی، بعداز فوت او، به‌دلیل خدماتش، طی فرمانی از محمدشاه به‌تاریخ شعبان‌المعظم سنه ۱۲۵۶ق/۱۸۴۰م به ورثه او سپرده شد تا زراعت کنند و متوجهات دیوانی را همه‌ساله دریافت و صرف مخارج نمایند. برای جلوگیری از مداخلات مأموران دولتی همواره بر اصطلاح «قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند» تأکید می‌شد (سند پیوست، تصویر شماره ۲). به این معنا که تیولدار، هم از نظر دیوانی و هم از نظر نظامی استقلال داشت و با ضبط ثلث موجب توسط دیوان باقی‌به‌صورت مادام‌العمر به ورثه او برقرار می‌شد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۴۷). البته این روش تابع قانون واحدی نبود. تیولدار در اغلب موارد تمایل داشت تا موجب را به‌صورت تیول دریافت دارد؛ زیرا از تعرض مأموران دولت در امان بود و به‌دلخواه خود از رعایا پول به‌عنوان مالیات دریافت می‌کرد (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۱، صص ۸۸-۸۹). به‌دلیل چنین ویژگی‌هایی، روند موروثی شدن تیولات در مازندران هم‌چنان وجود داشت که از جمله در گزارش معاون حکومت مازندران به مقام وزارت امور خارجه، مورخ ۱۳۳۲ق/۱۹۱۳م آمده‌است: «بلوک زیت و شورم و رندان [شهریارکنده] و پنبه‌چوله که در بین ساری و اشرف واقع شده‌است جزو خالصه دولت [است] و از زمان آقامحمدخان تاکنون بابت محل حقوق سوار کرد و ترک و به‌دست سرکردگان آن‌ها بوده‌است. این اوقات ارتناً به عبدالله‌خان و غلام‌حسین‌خان پسرعموی مشارالیه رسیده و درعوض حقوقات دیوانی خودشان تصرف دارند» (استادوخ، GH1332-K45-P27-10).

به‌نظر می‌رسد، تیول از ملک خصوصی در اجاره دیوان نیز واگذار می‌شده‌است. برای نمونه زمین زراعی بزمین‌آباد میان‌دورود که شاه قاجار از مالکان آن روستا به‌مدت نود سال اجاره کرده بود، در جزو تیولات مقرب‌الخاقان میرزاسمیح مستوفی برقرار گردید؛



درحالی‌که از مدت اجاره ملک مزبور، دو یا سه سال گذشته بود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ، ۶۲، ۱۲۴، ۱۷۲، ۲۰۲، ۲۶۳). «چون عمل زراعت آنجا نکث کلی داشت، میرزاسیخ از تیولات خود موضوع نمود که مقرر شد به اربابی صفرعلی معروف به ناظر که از اولاد مالکان مزبوره و از اشراف و اعیان این ولایت بود، مرحمت شود. درواقع وی خودش داوطلب شده مالیات آنجا را قبول نماید و قریه مزبوره را هم، سال‌به‌سال آبادتر کند و در ازدیاد منافعش اهتمام نماید» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۶۲).

اگر واگذاری اراضی خالصه برای هبه بود، به‌جای تیول اصطلاح سیورغال به‌کار می‌رفت. در زمان آقامحمدخان و فتح‌علی‌شاه درآمد سیورغال مازندران را به اهالی ساکن کوه و دشت اختصاص دادند (Kazembeyki, 2002, pp 13-14). سیورغال با تخفیف مالیاتی نیز همراه بود؛ چنان‌که برای اظهار مرحمت به سادات عالی درجات زیرولیم، براساس دو طغرا فرمان فتح‌علی‌شاه به‌تاریخ ۱۲۲۸ق و ۱۲۲۹ق و یک طغرا فرمان به‌تاریخ ۱۲۳۸ق و بعضی احکام شاه‌زاده محمدقلی میرزا والی سابق طبرستان (ساکما، ۲۶۳۳۱-۲۴۰، شماره‌برگ ۲، ۴، ۸) قرار شد تا جمع دیوانی مزرعه زیرولیم را (موافق سررشته‌جات دیوانی، مبلغ سی تومان و یک‌هزار و شش‌صد و هفتادوپنج دینار) که وقفی سادات نامبرده بود، به تخفیف ابدی آن‌ها برقرار شود که «من بعد کسی متعرض آن‌ها نگردد و به دعاگویی اقدام نمایند و قدغن نمود که احدی مطالبه مالیات و صادرات دیوانی و ولایتی و سایر عوارض حکمی و غیرحکمی متعرض آن‌ها نگردیده، از هر بابت آن‌ها را معاف و مسلم دارند و به‌هیچ‌وجه تعرض نرسانند» و «قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند» (ساکما، ۲۶۳۳۱-۲۴۰، شماره‌برگ ۱۶) و یا آنکه قریه وقفی را که داخل در خالصه دیوان بود به سیورغال می‌دادند. مانند قریه بنفشه‌ده من اعمال بلوک میان‌رود الکای نور که وقف امام‌زاده ابابکر بن علی بن ابی‌طالب و داخل خالصه دیوان بوده‌است به اربابی عمل و به سیورغال عالی جناب، مقدس القاب، حقایق و معارف اکتساب، فضایل و کمالات انتساب، علامه فهامی ملامحمدصادق نوری مرحمت و عنایت شد که خود متصرف باشد و به آبادانی و زراعت قریه مزبور مشغول شود و مداخل و منافع آن را صرف روشنائی و اخراجات امام‌زاده نماید (ساکما، ۳۴۷۵-۲۵۰، سند شماره ۱۴۸).

#### ۴- مصارف تیولات

نظام تیول‌داری در مازندران همواره متأثر از عواملی چون وسعت و حاصلخیزی خاک، تنوع قومی و نظام ایلی ویژگی خاص خود را داشت و این امر در صرف درآمد تیولات اثرگذار بود. مصارف تیولات به دو صورت عواید و مالیات قرای خالصه رواج داشت.

۱. به معنای کاهش عایدات که در اسناد مربوط به زمین‌داری، به کار می‌رفت.



در ادامه انواع هزینه‌کردهایی که براساس درآمد تیولات مازندران گزارش شده‌است بررسی می‌شود:

## ۴.۱. عواید قرای خالصه

### ۴.۱.۱. پرداخت مواجب به قشون

افواج اغلب از طریق محل درآمد (تیول)، مواجب دریافت می‌کردند و تحت ریاست خوانین و سرکردگان خود بودند. هر فوج به چند دسته تقسیم می‌شد و در رأس آن، مقام سرتیپ و دیگر مناصب عالی نظامی چون سرهنگ، سررشته‌دار، سرکرده و... وظایف خاص خود را انجام می‌دادند (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۴۴، ۴۰۰، ۱۱۶؛ استادوخ/GHI332-K45-10 P27) در مازندران «از قدیم الایام رسم این بود که محل مواجب نوکر در دست خود نوکر باشد. نوکر کرد و ترک و عرب و یخ‌کش و کلبادی مخصوصاً محل در دست دارند و علاوه از مواجب شش ماهه هم دستی‌بده هستند» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۸۰). روش پرداخت مواجب به صورت سه‌ماهه و شش‌ماهه و یا از طریق محل (مواجب) رایج بوده‌است که در اسناد از آن‌ها به صورت‌های «دستی‌بگیر و دستی‌بده» نام برده می‌شود. برای نمونه به سه طایفه نوکر هزارجریبی به دستجات ابراهیم خان سرتیپ، لطف‌علی خان و نجف‌قلی خان سرهنگ، مواجب شش ماهه (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۸۲) و به نوکر سورتیج مواجب سه‌ماهه داده می‌شد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۰۰). نحوه پرداخت مواجب سه‌ماهه به نوکر و قشون مازندران در گزارش سند دریافت تنخواه توسط بهرام‌میرزا حاکم مازندران به خوبی بیان شده‌است:

«نمی‌دانم از بی‌پایی و بی‌سامانی این نوکر چه بنویسم! [...] این‌ها دستی‌بگیر نیستند که داده شود یا نشود. هر یک محل دارند و باید دستی‌بدهند؛ به آن معنی که رعیتی‌بده هستند و همیشه این وجه دستی‌بده آن‌هاست که به اسم مواجب سه‌ماهه به پای آن‌ها منظور می‌شود. به این ملاحظه که یه چیزی می‌دهند نه می‌گیرند، جزئی آسودگی دارند و هر وقت مأموریتی به هم رساند چنانچه جیره داده شود به همان قناعت کرده، دلگرمی که بابت مواجب از این‌قرار دارند، مشغول خدمت هستند. در واقع رعایت این‌ها خیلی لازم است؛ زیرا آن‌ها هم رعیتی می‌دهند و هم در سرحل و ثغور به نوکری و خدمت قیام و اقدام دارند. یک‌دو جا از قبیل تنکابن و لاریجان شاید رؤسا جور مرئوسین را بکشند. سایر نوکر مازندران از رئیس و مرئوس همه صورت یکدیگر هستند» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۰۰).

پرداخت وجه نظام، منظم و به‌موقع نبود. برای نمونه، گاهی فقط به برخی از طوایف مواجب پرداخت می‌شد و به‌دنبال آن، صاحبان تیول از دیوان می‌خواستند تا مواجب همه



افواج را پرداخت کند تا این موضوع سبب دل‌سردی طوایف دیگر نشود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۱۳۰، ۱۸۰، ۴۰۰). یا این که حکومت، برخی از افواج مازندران (چون فوج بندپی و نوکر هزارجریبی جمعی لطف‌علی خان سرهنگ)<sup>۱</sup> را برای مقابله با اشرا و ترکمانان نافرمان به سرحد استرآباد می‌فرستاد تا به خدمت مشغول باشند (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۲۴۰) و زمانی که از آن‌جا برمی‌گشتند، هنوز جیره دریافت نکرده بودند. از این رو تأخیر در پرداخت مواجب و جیره قشون از موارد رایج زمان قاجار بوده است. نحوه و میزان پرداخت مواجب سرکردگان و فرماندهان نیز نامنظم و کم بود. براساس سواد فرمانی درباره اضافه‌مواجب لطف‌علی خان سرهنگ آمده است: «بعد از این که استعداد او در شورای عسکریه امتحان و تصدیق داده شد، یک‌صد و پنجاه تومان بر مواجب سابق او افزودند. بدین صورت که بعد از وضع عشر و رسوم دیوانی، مواجب خود را دریافت دارد. وی که در سرحد استرآباد مشغول خدمتگزاری بود، سیصد و پنجاه تومان مواجب دیوانی داشت ولی مبلغ مزبور کفایت گذران او [را] نمی‌کرد» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۱۱۲، ۲۰۴). برخی طوایف نیز سال‌های سال از زمان آقامحمدخان مراتعی را در مازندران به‌عنوان یورت<sup>۲</sup> مطابق فرمان و اسناد در تصرف داشتند؛ مانند افغان‌ها که عناب‌تپه و سه‌پشته را «که محل تعلیف مال و حشم چاکران [بود] و مزرعه آن را هم زرع و صرف معاش کرده به خدمتگزاری و جان‌نثاری قیام و اقدام دارند» (استادوخ، GH1333-K45-P84-19). بنابراین داشتن خاستگاه ایلی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افواج در مازندران به‌شمار می‌رفت و در دریافت و پرداخت مواجب تأثیرگذار بود.

### ۴.۱.۲. پرداخت مواجب به امنای دیوان اعلی

بسیاری از املاک مازندران به‌صورت تیول در اختیار امنای دیوان اعلی قرار می‌گرفت؛ از قبیل وکیل‌الملک و نظام‌الملک در نور (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۱۰۴) یا خالصه‌جات تیولی را به افراد دیوان و مشاغلی چون مثل قوشچی‌باشی و نایب‌ایشیک‌آقاسی واگذار می‌کردند. برای مثال مهدی‌قلی خان نایب‌ایشیک‌آقاسی پسر میرزا فضل‌الله خان نوائی، چهار قریه از قرای خالصه را به‌بابت مواجب خود به‌اسم تیول در دست داشت که قریب نه‌صد تومان مالیات دیوانی آن دهات بود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره‌برگ ۳۹۰).

### ۴.۱.۳. پرداخت مواجب به زنان دربار

این مورد تاحدی یادآور اقطاع و املاکی است که به زنان سلجوقی و ایلی‌خانی داده می‌شد. در روستای لالاباد بارفروش (لاله‌آباد بابل) تیولاتی به والدۀ عضدالملک تعلق داشت

۱. از مقامات لشکری و مالکان بزرگ شرق مازندران  
۲. چراگاه و قلمرو کوچ ایلی





(ساکما، ۲۴۰-۵۳۰۹۲، شماره برگ ۲)؛ مهدعلیا هم تیولی در مازندران داشت (ساکما، ۲۹۵-۷۴۰۶، شماره برگ ۰۹۲).

#### ۴.۱.۴. اختصاص درآمد تیول به سادات

شاه برخی از املاک خالصه را هم به سادات واگذار می‌کرد. به این موضوع در حکمی از فتح‌علی شاه قاجار به تاریخ ۱۲۰۲ ق/۱۷۸۷ م اشاره شده است:

«ازقرار فرمان خاقان مغفور [...] قریتین ملاکلا و کلهودشت من بلوک تالارپی مازندران به تیول عالی جنابان حاجی سیدمحمدابراهیم ولد مرحوم حاجی آقا کوچک استرآبادی و اولاد ذکور مرحوم آقامحمدرفیع برقرار بوده [...] حال امضای سرکار همایون خطاب به حکام مازندران باید بشود که به تیول سادات مشارالیه مقرر دانند» (ساکما، ۲۹۵-۵۰۱۵، شماره برگ ۱).

#### ۴.۱.۵. جلوگیری از غارت و سرکشی طوایف

واگذاری تیول علاوه بر خدمات از سوی تیول‌دار، گاهی برای رهاشدن از آزار و غارت‌گری‌های برخی ایلات اختصاص می‌یافت تا ترک غارتگری کنند و به کشاورزی بپردازند (ملک‌آرا، ۱۳۶۱، ص ۱۲۱). در قریه هزار خال نور پنجاه خانوار از ایل خواجه‌وند ساکن بودند که بین ایشان خانواری از اهالی مازندران نبود. این طایفه را آقامحمدخان قاجار از گروس (بیجار) و کردستان کوچانید و در مازندران مرتع و مرعی داد تا علاوه بر خدمات، شرارت این طایفه را از گروس و کردستان دفع نماید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۶: ۱۴۴-۱۴۳) البته این اقدام نتیجه مثبتی برای حکومت نداشت (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸، ص ۶۸۳)؛ حتی برای ایل و طوایفی که در ظاهر به دولت خدمت می‌کردند. برای نمونه تمامی دهات اکراد مازندران در این دوره به خدمت دولت مشغول بودند و موجب دریافت می‌کردند تا زمانی که اکراد از سیدخلیل علی‌کنده نظام‌العلمای فرمائی جعلی برای کوتاه‌ساختن دست ایالت از دهات خود آن را از عبدالسلام اگنط روسی سالی هزار تومان اجاره کردند؛ زیرا غیر از دهات اکراد تمامی دهات در اجاره اگنط بود. چگونگی این موضوع و واکنش مردم به آن در سند پیوست شماره ۱ بازتاب دارد که چگونه شرف ایران و ایرانی را با این اقدامات از بین می‌برده‌اند.



## ۴.۲. محل مصرف درآمد مالیات ارضی

### ۴.۲.۱. اعطای حق وصول مالیات قرای خالصه به دیوانیان

در اغلب موارد موجب حکام از طریق اعطای مالیات قرای خالصه موجود در حوزه حکمرانی آنها تأمین می‌شد. در سند مربوط به عضدالملک آمده‌است که مالیات قرای مظفرکلا، رنگرزمحله و... را تیول موجب خود و متعلقان خود بداند (ساکما، ۵۳۰۹۲-۲۴۰، شماره برگ ۲).

### ۴.۲.۲. اعطای حق وصول مالیات سالیانه قرای خصوصی به سوار ایل (به جای موجب)

بخشی از منابع عمده دولت از مالیات ایل و طوایف تأمین می‌شد؛ ولی در مازندران گاهی سوار ایل، مالیات سالانه قرای موروثی افراد دیگر را به جای موجب خود دریافت می‌کرد؛ مانند: «[...] قریه فومش کنار و دارد کاشت [که] ملک موروثی مرحوم آقامحمدعلی و بازماندگان اوست و از سنوات سابقه منال<sup>۱</sup> و مالیات دیوانی آن قریه به تیول سوار گرایی و اگذار شده بود [...]» (ساکما، ۳۴۵۱۱-۹۹۹). البته براساس گزارش مالکان زمین، گاهی سرکردگان ایل مزبور، به املاک و مراتع آنها تعدی می‌کردند؛ در صورتی که به جز دریافت منال دیوانی به هیچ وجه حق نداشتند به آن ملک تعرض کنند (ساکما، ۳۴۵۱۱-۹۹۹).

### ۴.۲.۳. پرداخت موجب به علما

در دوره قاجار به شماری از علما و روحانیون موجب پرداخت می‌شد. برای نمونه در ذی‌قعدة ۱۲۳۱ق ملا عبدالکریم و ملا اسماعیل پسران ملاعلی محمد میار طی عریضه‌ای مشترک از فتح‌علی شاه درخواست کردند که چون میرابوطالب تنکابنی فوت کرده‌است و نامبرده در حین حیات سالانه پانزده تومان موجب از محل درآمدهای مالیاتی مازندران دریافت می‌کرده‌است، از این پس موجب او در حق آنها برقرار شود که طی فرمان فتح‌علی شاه به ملک‌آرا قرار شد سالانه، مبلغ هفت تومان به عنوان موجب ملا محمد اسماعیل و ملا عبدالکریم از محل مالیات مازندران برقرار شود (نعیمایی عالی، ۱۳۹۱، صص ۲۶۴-۲۶۵).

تنوع مصارف تیولات در مازندران از میزان تکیه دولت بر زمین‌های تیولی برای پرداخت موجب لشکری و کشوری و دیگر اقشار برجسته جامعه نشان دارد.

## ۵- وظایف تیول‌دار

در برابر واگذاری تیول، از تیول‌دار انتظار می‌رفت تا در صورت لزوم نیروی نظامی فراهم کند که گاهی تعداد سربازان هم در سند فرمان تیول ذکر می‌شد. در مقابل تیول‌دار هم

۱. داریی و خواسته

تمام اختیارات دیوانی ناحیه تیول را در دست داشت (ابوت، ۱۳۹۶، ص ۸۳). در مازندران به کمک کدخدا و مباشر مرقوم و مقرر می شد که در هر محل معین کنند که به وقت نیازمندی چقدر سوار برای خدمت به دولت می توانند حاضر کنند و از روز حرکت تا روز معاودت، ماهی یک تومان جیره علیق بگیرند. رعیت مازندران که اغلب برنج کوب و زارع بودند، از عهده دادن سوار بر نمی آمدند مگر طوایف و قبایلی که همیشه «نوکر دیوان باشند و موجب بگیرند نه این که یک وقت مخصوص حاضر شوند»...]. برای نمونه در گزارش بهرام میرزا حاکم مازندران آمده است: زمانی که دولت به سرباز و سوار نیازمند شد، ایلات کرد و ترک می گفتند: دو هزار سوار مستعد می دهیم؛ در حالی که چهارصد سوار بودند. عبدالملکی یکصد سوار بودند می گفتند: چهارصد سوار می دهیم. خواجهوند چهارصد سوار بودند، یک هزار سوار از آن ها خیلی به قاعده می شود پادار کرد. علاوه بر آن، افرادی چون لطف علی خان سرهنگ<sup>۱</sup> مکرر بیان می کرد که یکصد نفر دیگر علاوه پادار می کنم تا از دیوان به اسم سربازی مقرر شود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۲۳۴). از این رو طوایف و قبایل بسیاری در خدمت ارتش به کار گرفته می شدند و به سران آن ها در مازندران زمین و روستا اختصاص می یافت.

در عصر قاجار مالکیت زمین مبنای قدرت و نفوذ شخصی بود و تصدی مناصب حکومتی یکی از راه های اصلی تحصیل اراضی (تیول) و تأمین ثروت و نفوذ محسوب می شد (اتحادیه، ۱۳۷۳، ص ۱۳؛ شریف، ۱۳۵۲، ص ۸۱). بنابراین، بین زمین داری و منصب دولتی رابطه ای معنادار وجود داشت و در واقع «همه ارباب تیول، اعیان و ارکان دیوان هستند» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۶۲). از جمله این افراد سرکردگان نظامی بودند که خالصه جات دولت در عوض محل حقوق دیوانی در دست آن ها قرار داشت و موجب سرباز به صورت مستقیم پرداخت نمی شد (استادوخ، ۱۰-P27-10-GH1332-K45؛ استادوخ، 44-GH1333-K45-P95-42).

اقدام آقا محمدخان در به کارگیری تعداد چشمگیری از نیروهای نظامی (قبایل بومی و مستقر) در مازندران برای استواری حکومتش سبب شد تا جانشینان او هم فعالانه از این نوع نیروهای نظامی (که تحت امر رؤسایشان قرار داشتند) در جنگ ها به ویژه جنگ های ایران و روسیه استفاده کنند (kazembeyki, 2002, p31)؛ نعیمایی عالی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۴). برای نمونه جان فشانی و خدمات ایل کرد و ترک در گرجستان، مرو، هرات، به ویژه صحرای ترکمان و سایر حدود ایران در تاریخ ثبت شده است و در عهد خاقان مغفور، جوانان این طوایف در داغستان قربانی تاج و تخت ایران شدند و جان های خود را در حفظ این آب و خاک نثار کردند (ساکما، ۱۰۱۷۹۵-۲۴۰، شماره برگ ۹۰، ۱۲۷، ۲۲۵، ۲۳۵).

۱. سیصد نفر ابواب جمعی داشت



با آنکه ایجاد تعادل در نیروی نظامی در مازندران از اواخر ۱۲۵۵ق (اوایل ۱۸۴۰م) به دست محمدشاه به قدرت‌گیری سرداران بومی و کاهش اقتدار رؤسای قبایل منجر شد، ولی نقش ایالت مازندران در تأمین نیروهای نظامی دولت تا سقوط قاجارها هم چنان حفظ شد و تا سال ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م بعد از ایالت آذربایجان، مازندران بیشترین سربازان را برای تأمین نیازهای حکومت قاجار فراهم می‌کرد (kazembeyki, 2002, pp 32-34).

در مازندران واگذاری زمین به صورت تیول همیشه تعهد نظامی برای مالکان ایجاد نمی‌کرد؛ بلکه این درآمد برای پرداخت مواجب دیگر متولیان امور دیوانی نیز به کار برده می‌شد. تیول‌داران بنابه شیوه‌های ملک‌داری رایج در هر محل، و روابط با رعایا یا مأموران حکومت وظایفی برعهده داشتند. مراقبت از تیول مهم‌ترین وظیفه تیول‌دار بود. شرایط این بود که در صورت خرابی تیولات، ابتدا تیول‌دار را وادار می‌کردند تا برای نمونه تا حدود شش ماه خرابی تیولات خود را رفع کند؛ وگرنه «... کلیه خالصه‌جات مازندران به جهت تطاول مباشران مسلوب‌المنفعه می‌شدند» (استادوخ، ۱۳۳۳-ک۴۵-پ۹۵-۴۲). در باب مستمریات ارباب و طوایف مازندران به حکومت گزارش می‌شد که «[...] وضع مازندران غیر از سایر ولایات است. از حاکم مازندران به بابت مستمریات چندان دستی‌بگیر نیستند؛ وانگهی این جا همه موضوعات و هر جا مستمری‌بگیر دارد [...]» (ساکما، ۱۳۰۶-۷۴-۲۹۵، شماره برگ ۴۰۰).

مصارف تیولات با توجه به سیاست حکومت در مازندران بسیار متنوع شده بود و به افراد در موقعیت‌های مختلف، اراضی زراعی به عنوان تیول داده می‌شد که همه این تیولات درازای خدمت به دولت نبودند؛ مانند تیولاتی که به زنان دربار داده می‌شد. عملکرد تیول‌داران در هر شرایطی به‌ویژه با ضعیف شدن دولت در راستای اهداف خودشان بود و با تصرف و غصب زمین‌های زراعی مازندران در راستای موروثی کردن تیول ظاهر شد مانند قریه جویبار (ساکما، ۱۳۰۶-۲۳۰، شماره برگ ۸۹).

## ۶- پیامدهای تیول‌داری (مزایا و معایب)

اگرچه تیول‌داری با سودآوری مالی، ساده کردن جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی، تأمین نیروی نظامی از ایلات و طوایف و در نتیجه بی‌نیاز کردن حکومت برای حفظ ارتش ثابت و پرداخت نقدینگی به آن، همراه بود (لمبتن، ۱۳۶۲، صص ۱۱۰-۱۱۱)، ولی معایب و پیامدهای مهمی را نیز به دنبال داشت که اغلب اقتصاد و اوضاع اجتماعی جامعه عصر خود را تحت تأثیر قرار می‌داد. ضعف سیاسی حکومت مرکزی سبب می‌شد تا صاحبان قدرت در اراضی تیولی، رفتارهای مستقلی در پیش بگیرند که مهم‌ترین نتیجه آن بروز پریشانی و



زیان‌های مالیاتی و اقتصادی و اجتماعی بود. پرداخت مالیات به دولت از مهم‌ترین اهداف تیول‌داری بود؛ ولی تعیین میزان بهره‌وری اراضی و میزان مالیات، یکی از چالش‌های پیش‌رو بود و همواره برای دولت و رعیت مشکلاتی را ایجاد می‌کرد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۱۳۶، ۱۵۸، ۱۹۶).

درگیری بر سر تصاحب محل موجب میان افراد صاحب دیوان و طوایف، یکی دیگر از پیامدهای زیان‌بار نظام تیول‌داری بود؛ به نحوی که هریک از آن‌ها، خود را صاحب تیول مزبور می‌دانستند و برای مالکیت آن حاضر می‌شدند هر شرایطی را به دیوان متعهد شوند. برای نمونه قریه صلاح‌الدین کلا که از خاک کلاردشت است، براساس فرمانی به تیول میرزامهدی لشکر نويس مقرر و در دستورالعمل هم به اسم میرزامهدی و محل موجب او منظور شده بود؛ ولی سواره‌خواجه‌وند، قریه مزبور را محل موجب خود می‌دانستند. چون خواجه‌وندی‌ها در این باره حرف می‌زدند، میرزامهدی تقاضا کرد که یک‌صد تومان هر ساله اضافه بر مالیات دیوانی آنجا پیشکش کند و قریه مزبور به بابت محل موجب به خود او به‌عنوان تیول مرحمت شود (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۳۳۸) و یا ایلخی چیان‌های دیوانی با اهالی اشرف و توابع پیوسته در گفت‌وگویی مرتع بودند و عباس‌قلی خان سرحددار، دائم اسباب شکایت آن‌ها و طایفه عبدالملکی را در مسئله مرتع مدنظر فراهم می‌کرد (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۳۱۶).

ضبط و مصادره اموال تیول‌داران در صورتی که مورد غضب و بی‌مهری شاه قرار می‌گرفتند از پیامدهای منفی آشکار این نظام بود که ریشه در نظام دیوان‌سالاری ایران داشت. برای نمونه قریه رکاوند در دوره آقامحمدخان به‌عنوان تیول با چند قریه دیگر به حمزه سلطان انزانی واگذار شد؛ ولی در اواخر سلطنت آقامحمدخان، نامبرده مقصر و مغضوب شاه قرار گرفت و کلیه اموال تیولی و حتی شخصی‌اش ضبط شد (ساکما، ۵۷۰۸۸-۲۴۰، شماره برگ ۱۴۹). گاهی هم اتفاق می‌افتاد که به‌دنبال این موضوع، فرزندان تیول‌دار مورد توجه شاه قرار می‌گرفتند و در نتیجه تیول پدر مغضوب به آن‌ها برمی‌گشت؛ چنان‌که در ادامه سند بالا این‌گونه آمده است: در اواخر سلطنت آقامحمدخان، رحیم‌خان انزانی (فرزند حمزه سلطان حاکم خراسان) مورد توجه شاه قرار گرفت و قریه رکاوند به‌موجب حکمی به تیول او واگذار شد. در دوره سلطنت آقامحمدشاه مجدداً فرمان تیول به اسم حمزه سلطان صادر شد و همین قسم خوانین انزانی ساکن نوکنده‌کاو استرآباد توابع بندر جز (که از صاحبان قدیم بودند) اغلب آن‌ها در رکاوند سکونت و تصرفات داشتند (ساکما، ۵۷۰۸۸-۲۴۰، شماره برگ ۱۵۱).



زمانی که امر تیولات دچار اختلال می‌شد و از تنخواه وجه تیول به کلی باقی می‌بود، کارگزاران حکومتی تبدیل تیول خود را خواستار می‌شدند. برای نمونه حاکم مازندران که در باب تیولات آذربایجان و از رسیدن تنخواه مقرری خود جوشقان را به عنوان تیول از دیوان درخواست کرد تا با نهایت دلگرمی مشغول خدمت‌گزاری باشد و اشاره کرد که این تبدیل برای دیوان اعلیٰ ضرری نخواهد داشت و به دارالخلافه نزدیک است (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۱۲). در زمینه درخواست تبدیل تیول مذکور از دیوان، امر و مقرر شد که جوشقان در سال بعد به او مرحمت شود و «[...] امساله [...] وجه مقرری خود را از آذربایجان دریافت دارد [...]» (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۴۱۲). بنابراین تبدیل محل موجب دیوانی یکی دیگر از چالش‌های مهم مالیه بود. دولت پس از تصویب قانون وظایف در مواردی که تبدیل محل موجب برای خزانه ضرری نداشت با آن موافقت می‌کرد (یوسفی فر و محمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۸).

نبود مدیریت درست و نظارت دیوان بر تیول/تیول‌داری سبب ناامنی در روستاهای مازندران می‌شد. بدین صورت که افراد متفرقه، بدون داشتن حکم همایونی در امر تیولات مازندران دخالت می‌کردند که در گزارش وقایع اتفاقیه بهرام‌میرزا، حاکم این ولایت، بدین شرح دیده می‌شود: کربلائی‌یحیی مباشر بلوک نوکنده‌کاو پهناب تیولی مرحومه مهدعلیا، بیان داشت که مأموری از جانب علاءالدوله به نوکنده‌کاو آمده «پسرم را زنجیر کرده و انواع افتضاح در آن جا معمول داشته‌است». پس از تحقیق معلوم شد که مشهدی‌آقاییک‌نام و یک نفر دیگر از جانب علاءالدوله به ضبط نوکنده‌کاو پهناب مأمور هستند. به محض ورود، علاوه بر زنجیر و چوب‌زدن، زن‌ها را بسیار اذیت کردند. یکی دو نفر را هم سر و دست شکستند و همه قسم اغتشاش را باعث شدند. هیچ اعتنا به ساری نکردند و در نوکنده‌کاو این همه اختلال فراهم آوردند. باین حال فردی گفت، شاید حکم دیوان در دست داشته باشند. آن‌ها را خواستم و جويا شدم. کاغذی از جناب علاءالدوله داشتند نظر به این که امر و مقرر شده بود، هرکس بی فرمان مبارک به این جا بیاید، او را محبوس کنید و این‌ها هم فرمان نداشتند (ساکما، ۷۴۰۶-۲۹۵، شماره برگ ۹۲، ۱۶۵).

اسکان طوایف مهاجر در مازندران که به دنبال نظام تیول‌داری به‌ویژه در دادن یورت شکل می‌گرفت، همواره سبب کشمکش‌های طوایف با بومیان منطقه بود و در نهایت به نارضایتی و مهاجرت بومیان منجر می‌شد. در این باره می‌توان به نوشته میرزا عبدالله میار در شرح حال آقاخان اشاره کرد که او از یورت‌گرفتن و اسکان خواجه‌وندان در اراضی تحت مرزن‌آباد و کنار جاده به دلیل شرارت و خسارت‌هایی که به اهالی بومی وارد می‌کردند، نراضی بود؛ در نتیجه حکم به احتراق بیوت و منازل آن‌ها داد (نعیمایی عالی، ۱۳۹۱،



ص ۲۱۴). گاهی هم اقدامات طوایف مزبور سبب مهاجرت بومیان از روستای خود می‌شد. برای نمونه «بعد از آنکه ایل خواجه‌وند در کلاردشت یورت گرفت، به واسطه تصرف املاک و شرارت و فساد و سرقت، گذران معاش بر اهالی آن‌جا سخت شد؛ بنابراین بنای توطن در بلوک بیرون‌بشم گذاشتند. چندی به قریه گویترا ساکن شدند و عمارت و حمام در آن قریه بنا نهادند؛ ولی هم‌چنان به واسطه یورت گرفتن طایفه لک در قریه مزبوره از آن‌جا هم صرف‌نظر کردند و مرزن‌آباد را از طایفه نجار پردنگانی خریداری و آن مکان را تجدید عمارت و آباد نمودند» (نعیمایی عالی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴).

از پیامدهای دیگر تیول‌داری، ویرانی املاک خالصه و کمبود عایدات بود که در واقع می‌توان آن را از مهم‌ترین پیامدهای تیول/ تیول‌داری در مازندران دانست. بدین شرح که تیول‌دار با هدف به‌دست آوردن سود بیشتر، تمام تلاش خود را برای بهره‌برداری بی‌قاعده از تیول در حداقل مدت، صرف می‌کرد؛ در حالی که از سوی حکومت هیچ نظارتی نبود. در گزارشی این مطالب تأیید شده است: «[...] غالب خالصه‌جات مازندران را هرچه خوب و بامنفعت بوده است به تیول برده‌اند و آنچه خراب است برای دیوان گذارده‌اند [...] ولایت را به جهت بردن همین تیولات به کلی خراب کرده‌اند» (ساکما، ۲۹۵-۷۴۰۶، شماره برگ ۳۵۶). ویرانی برخی از تیولات به گونه‌ای بود که از صاحب تیول می‌خواستند به اندازه مواجب خود تیول بردارد و باقی را واگذارد که خالصه را به‌عنوان تیول خراب کردن شایسته نیست و هنگام سپردن تیولات هم بر تیول‌دار تأکید می‌کردند تا برای آبادانی و زراعت آن تمام کمال تلاش کند (استادوخ، ۴۲-۹۵-P95-K45-GH1333).

دولت به دنبال ناکارایی اراضی واگذار شده به تیول، سیاست فروش خالصه‌جات را در پیش گرفت؛ چون به دنبال رفع نیازهای مالی خود بود. بنابراین از پیامدهای دیگر تیول‌داری در مازندران، می‌توان فروش خالصه‌جات و به دنبال آن گسترش مالکیت خصوصی را نام برد. براساس اسناد در دسترس، تغییر در حقوق مالکیت خالصه در مازندران، از زمان فتح‌علی شاه به تدریج شکل گرفت (ساکما، ۲۹۵-۷۱۹۱، شماره برگ ۴۵، ۴۸) تا رسید به زمان ناصرالدین شاه که خالصه‌جات بانام خالصه‌جات انتقالی/ واگذاری به افراد فروخته می‌شد.

نحوه واگذاری خالصه‌جات، مستلزم فرمان سلطنتی و تشریفات مربوط به آن بود که در آن املاک خالصه و اربابی حکم واحدی می‌یافتند. در ابتدا، این اراضی به صاحبان تیول واگذار شد (ساکما، ۲۴۰-۵۳۰۹۲، شماره برگ ۲؛ ۲۴۰-۹۲۲۶، شماره برگ ۱۰؛ ۲۲۳۵۶-۰۲۴۰؛ شماره برگ ۲) در صورتی که به گفته کرمانی درست‌تر این بود که دولت هر دهی را به همان اشخاصی که در آن ده زراعت می‌کردند، واگذار می‌کرد تا هم رعایا صاحب ثروت شوند و هم نرخ غله ارزان بماند. او در نحوه فروش خالصه‌جات دولتی، موضوع



تعیین قیمت در ابتدای فروش املاک خالصه را هم نقد می‌کند و آن را اشتباه دیگر دولت می‌داند (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۶، ص ۱۲۲). به دنبال این سیاست، منازعات ارضی در مازندران بالا گرفت و برای دولت و رعیت در دسرهای زیادی به وجود آمد؛ منازعاتی چون: ۱- انتقال اجباری ملک خریداری شده افراد به شاهزادگان (ساکما، ۲۳۵۵۹-۰-۲۴۰، شماره برگ ۲)؛ ۲- حفظ ملک توسط صاحبان تیول و موروثی شدن آن؛ ۳- تصرف و خرید خالصه‌جات توسط افراد بانفوذ جامعه؛ از جمله فرماندهان نظامی که با تکیه بر جایگاه اجتماعی خود املاک عمومی و خالصه‌جات تیولی را تصرف می‌کردند. یکی از آن‌ها امیرمؤید سوادکوهی بود که با گرفتن منصب نظامی به تصرف زمین در شیرگاه پرداخت (استادوخ، GH1336-K46-P10-13) و فرزندان او در سال ۱۳۳۱ق خالصه‌جات سوادکوه را بر املاک خود افزودند (ساکما، ۲۴۹۳-۰۰-۲۹۳، شماره برگ ۲ و ۳). در این میان، بنابر سواد حکم هیئت وزراء اعظم، مقرر شد تا وزارت مالیه به دعوی راجع به خالصه‌جات باقی مانده دولت بپردازد و دعوی مربوط به خالصه‌جاتی که دولت فروخته بود در محاکم عدلیه رسیدگی شود؛ مشروط بر این که حیثیت آن دعوی به زمان قبل از تصرف یا حین تصرف دولت مربوط نباشد (استادوخ، GH1333-k45-p79-6).

به دلالت پژوهش‌های جدید، شیوه‌های زمین‌داری اقطاع و تیول را به همراه عواملی چون شرایط جغرافیایی (دشواری تهیه آب و جدایی روستاها از یکدیگر) و عوامل اجتماعی (مانند نظام ایلی و نظایر آن) می‌توان از ریشه‌های عمده مالکی در ایران به‌شمار آورد (برای نمونه، ر.ک. بهنام و راسخ، ۱۳۴۸، ص ۲۳۲) که در نتیجه سیاست اعطای تیول می‌توانست نتایج چندوجهی در مازندران و مناسبات آن با دولت مرکزی داشته باشد.

## ۷- قانون برگشت تیول و موضوعات مرتبط با آن

در اواخر قرن نوزدهم، با تغییراتی که در پی انقلاب مشروطیت در اداره کشور و مفهوم حکومت روی داد، بعد از استقرار دولت جدید، کمیسیونی به نام انجمن مالیه در تاریخ ۱۳۲۵ق برای مطالعه در اصلاحات اقتصادی برگزید شد و چون موضوع اقتصاد، با زمین‌داری و مالیات کاملاً ارتباط داشت، حاصل کار این کمیسیون، چهار قدم اصلاحی بزرگ بود که تمام آن‌ها در موضوع زمین‌داری و وظایف زمین‌داران بسیار مؤثر افتاد (لمبتن، ۱۳۶۲، ص ۳۳۱). یکی از آن‌ها، منسوخ شدن انواع تیولات مازندران به حکم مجلس شورای ملی بود (لمبتن، ۱۳۶۲، ص ۳۳۲؛ ساکما، ۲۴۷۰-۰۰-۲۹۳، شماره برگ ۱۳۳)؛ با این هدف که بر عمومی بودن اراضی کشور تأکید کند و از هدررفتن املاک و امکانات زراعی جلوگیری کند (حقدار، ۱۳۹۵، ص ۹۸).



روند اجرای قانون برگشت انواع تیولات در مازندران<sup>۱</sup> به چند موضوع بستگی داشت:  
۱- پرداخت مواجب از موضوعاتی بود که برای صاحبان تیول مهم بود؛ زیرا به دنبال قانون برگشت تیول، در پرداخت مواجب تغییراتی شکل گرفت و بعد از فوت تیولدار اگر از مستمری او باقی مانده بود، به فرزندان پرداخت می‌شد و دیگر تیول در حق کسی برقرار نمی‌شد. بدین شرح که تیولات با عنوان محل سوار و نوکر دیوان از تیولات غیر خارج شدند. مانند قریه کلارسی که به تیول مرحوم آقاسید عبدالکریم قاضی مقرر بوده چون عنوان محل سوار و نوکر دیوان داشت به انضمام قراء دیگر از تیولات غیر خارج و در عوض محل مواجب نوکر مقرر داشتند و براساس سند مورخ رمضان ۱۳۲۳ق، قریه صلحداری کلای بندپی محل مستمری و به تیول آن مرحوم برقرار کردند و زمانی که فوت کرد، سی تومان از مستمری وی در حق آقاسیدحسین پسر آقاسیدخلیل اخوی مرحمت شد و باقی مستمری و تیول مزبوره در حق کسی برقرار نشد و به خرج مازندران هم منظور نشد (ساکما، ۲۴۰-۴۳۹۸۷، شماره برگ ۱۰).

۲- زوال تیول/تیول‌داری برخلاف میل خوانین و سرکردگان و صاحب‌منصبان محلی بود؛ تاجایی که برای حفظ ملک تیولی خود، تحت حمایت حکومت منطقه قرار می‌گرفتند یا اتباع خارجه را در این مسئله مداخله می‌دادند یا تلاش می‌کردند خود را تحت حمایت زمین‌داران بزرگ مازندران قرار دهند. برای نمونه اسنادی مرتبط با این موضوع به تاریخ ۱۳۳۳ق، راجع به قریه کالشی کلا خالصه واقع در بلوک دشت سر آمل موجود است که نشان می‌دهد که تیول‌داری در این استان هنوز رایج بوده است: «قریه مزبوره از بابت حقوق سوار و سرباز... [ ] قبل از دولت مشروطه، به تیول مقرر بود و صاحب‌منصبان محلی در آنجا مداخله داشتند. بعد از استقرار دولت جدید، برحسب قاعده می‌بایست این قریه هم جزو سایر خالصه‌جات در تحت مداخله مأموران مالیه درآید؛ ولی به واسطه امتناعات جدی صاحب‌منصبان محلی که هر بار به وسیله‌ای متوسل می‌شدند، این مقصود حاصل نشد. به‌ویژه تا این اوقات اسماعیل سلطان که یکی از صاحب‌منصبان مزبوره است خود را در تحت حمایت امیرمکرم درآورد. علاوه بر این که مبلغ عایدات این محل هر سال تفریط می‌شود، اغلب اتفاق می‌افتد که صاحب‌منصبان محلی، اتباع خارجه را در این مسئله مداخله می‌دهند» (ساکما، ۲۴۷۰-۲۹۳، شماره برگ ۱۳۳).

۳- وزارت مالیه از اغلب قرائ خالصه مازندران اطلاعات محلی کافی نداشت؛ در نتیجه این املاک را افراد با فرمان‌های جعلی غصب می‌کردند. برای نمونه در تعلیق راجع به قراء خالصه جویبار و تالارک و زاغ‌مرز مازندران در موضوع حق شرعی و عرفی غاصبان املاک فوق، مورخ ۱۳۳۹ق/۱۹۲۰م خطاب به وزارت مالیه آمده است: «قریه جویبار در سابق به اسم

۱. تیولات خالصه، تیولات خصوصی و تیولات  
وقفی



تیول در تصرف علی اکبرخان صارم‌نظام بود. وی در همان زمان به فکر درست نمودن فرمان جعلی شد. فرمان مزبور از فرمانی است که سیدخلیل نظام‌العلماء مازندرانی ساخته، در تصرف غاصبان برقرار بود» (ساکما، ۰۰۱۷۵۴-۲۳۰، شماره برگ ۸۴).

از موارد مشابه دیگر، تالارک بود که به قریه پهناب وصل بود. مطابق ثبت دفتر اداره تشخیص عایدات خالصه و اطلاعات محلی، این قریه خالصه دولت بود و به هیچ اسم و رسم به کسی منتقل نشد؛ ولی به دلیل حمایتی که از افراد در اداره مالیه ساری می‌شد، در تصرف میرزا حسین غاصب قرار داشت. از زمانی که فرمان را از او مطالبه کردند، حدود شش ماه می‌گذشت؛ ولی فرمانی نداشت تا ارائه بدهد (ساکما، ۰۰۱۷۵۴-۰۲۹۴، شماره برگ ۲۳۰).

«دیگری قرای زاغ‌مرز بود که متصرف آن را به اسم تیول در تصرف خود داشت تا زمان برگشت تیولات که ادعای ملکی نمود. بدین شرح که ملفوفه‌ای فقط به صحه همایونی ارائه می‌دهد که آن هم ساختگی است و به هیچ وجه دفتری نشده و مهر هم ندارد؛ چنانچه به نظر هر کس برسد، واضح است که به دسیسه و بدون سند تصرف می‌خواهد ملک خالصه مسلم دولت را ببرد» (ساکما، ۰۰۱۷۵۴-۰۲۹۴، شماره برگ ۲۳۰).

باتوجه به این که مدرک و مستند املاک خالصه (ثبت رقبات و جزو جمع‌های قدیم) در خزانه‌داری موجود بود، افراد مطابق همان کتابچه و جزو جمع به تدریج اطلاعات املاک خالصه را دریافت و در مقام تصرف برمی‌آمدند. بدیهی است هر یک از متصرفان در مقابل فرمانی که ارائه می‌دادند، ملکی خالصه را از دولت خریداری کرده بودند و بر فرض اینکه متصرف، فرمان خود را مفقود کرده باشد، ثبت آن که در دفاتر موجود بود؛ از روی همان کتابچه و دفاتر معین می‌شد که کدام محل به ملکیت اشخاص واگذار شده است (استادوخ، GH1331-K51-P59-1).

۴- مشخص نبودن وضعیت برخی از روستاهای مازندران که چه عنوانی دارد. آیا به صورت خالصه است یا شخصی؟ باینکه در اسناد، اصطلاح تیول ابدی و احسان سرمدی ذکر شده بود؛ ولی برخی از افراد معنای این کلمات را نمی‌دانستند و مردد بودند که آیا این کلمات به انتقالی تعبیر می‌شود یا خیر. چنان که در سواد راپرت میرزایحیی خان درباره خالصه‌جات قریه رکاوند و منضمات آن (مهدیرجه، علمدار محله) که به خوانین انزانی تعلق داشت، مورخ ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵ م چنین بازتاب یافته است: قبل از آقامحمدخان سندی در دست نبود که قریه مزبور چه عنوانی داشت. غیر از قریه رکاوند قراء خالصه سرمحله واقع در انزان توابع بندر جز، ران، کلاک، و زباط، واقع در اشرف تیول خوانین انزانی بود و در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه ضبط و به دیگران انتقال داده شد و علت اینکه قریه رکاوند ضبط نشد و در دوره ناصری و مظفری انتقال نیافت،

به واسطه حکم اولیه آقامحمدخان بود که عبارت «تیول ابدی و احسان سرمدی» در آن ذکر شده بود (ساکما، ۵۷۰۸۸-۲۴۰، شماره برگ ۱۴۹، ۱۵۱).

۵- واکنش طوایف کوچانده شده کرد، ترک و افغان بعد از توقیف تمامی املاکشان در زمان کابینه وثوق الدوله بعد از ۱۵۰ سال سکونت در منطقه جالب توجه است (ساکما، ۱۰۱۷۹۵-۲۴۰، شماره برگ ۱۰۲) و خالصه جات تیولی از قدیم جمع معینی داشته که مأخذ مالیات بوده است؛ بدین ترتیب که در برخی از محل های مزبور به صورت جنسی و برخی دیگر به صورت نقدی یا تسعیر بوده است که این موضوعات خود در پژوهش مستقل دیگری می گنجند.

باتوجه به اهمیت موضوع خالصه جات تیولی در مازندران، دولت بر آن شد تا این املاک را مجدداً به اسم خالصه به صورت مزایده به اجاره دهد؛ بدین شرح که اگر شرایط اجاره صاحب منصبان و سرکردگان مازندران که دعوی مالکیت داشتند با سایر پیشنهاددهندگان مساوی باشد، حق تقدم به صاحب منصبان داده شود (ساکما، ۱۰۱۷۹۵-۲۴۰، شماره برگ ۴۷۵). بنابراین می توان گفت که تیول داری در مازندران، با وجود تغییر سیاست های دولت، تا پایان عصر قاجار ادامه یافت.

## ۸- نتیجه

حاصلخیزی خاک، همجواری با روسیه و مسئله نافرمانی ترکمانان، بر سیاست گذاری ارضی شاهان قاجار در مازندران، مؤثر بود. دولت با درپیش گرفتن رویه خالصه سازی، اراضی مازندران را به صورت تیول به افراد دیوانی و نظامی واگذار کرد. تیول داری یکی از شیوه های بهره برداری غیرمستقیم از زمین های زراعی مازندران در دوره قاجار بود. تیول از انواع اراضی و اغلب از خالصه جات داده می شد و روال واگذاری آن بنابه فرمان شاه و با رعایت تشریفات مربوطه بود. گستردگی و تنوع خالصه جات مازندران نشان دهنده آن است که دولت قاجار، دائم درصدد افزایش اراضی حکومتی بوده است. اعضای دیوان اعلی، شاهزادگان، حاکمان و فرماندهان نظامی هم برای تصاحب تیول در مازندران رقابت می کردند و این رقابت سبب می شد تا افراد به جای مواجب به تیول بیشتر علاقه نشان دهند؛ زیرا مطابق میل خود رفتار می کردند. با درپیش گرفته شدن سیاست خالصه سازی، بسیاری از روستاهای مازندران مصارف تیول متنوع شدند و به تدریج تیولت موروثی شدند و به دنبال بی مبالائی مباشران و نبود مراقبت و بهره بری بی قاعده از زمین ها، بسیاری از این اراضی حاصلخیز ویران و کم عایدات شدند. دولت برای رفع مشکلات مالی خود، سیاست فروش خالصه جات را در پیش گرفت و در ابتدای کار آن ها را به صاحبان تیول





- بهنام، جمشید؛ راسخ، شاپور. (۱۳۴۸). *مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: خوارزمی.
- حقدار، علی اصغر. (۱۳۹۵). *مجلس اول و نهادی مشروطیت: صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی*. تهران: باشگاه ادبیات.
- ظل السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۸). *خاطرات ظل السلطان یا سرگذشت مسعودی*. (ج ۲). (ج ۱). (حسین خدیو جم، کوشش گر). تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ هجری قمری)*. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- لمبتن، آن کترین سواين فورد. (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: علمی-فرهنگی.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد. (۱۳۵۶). *تاریخ انحطاط مجلس*. به کوشش محمود خلیلی پور. (ج ۲). اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ملک آرا، عباس میرزا. (۱۳۶۱). *شرح حال عباس میرزا ملک آرا*. (عبدالحسین نوایی، کوشش گر). تهران: بابک.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان. (۱۳۶۱). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*. (ج ۱). (ج ۱). (معصومه نظام مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان و حمید رام‌پیشه، کوشش گران). تهران: تاریخ ایران.
- نعیمایی عالی، امین. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر تاریخ اقوام، طوایف و خاندان‌های کلارستاق (چالوس و کلاردشت) و تاریخ خاندان میار*. (ج ۱). تهران: خود نویسنده.

## مقاله

- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۳). «تهران و املاک خالصه ورامین». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال ۳۲، شماره ۱-۴، صص ۹-۴۵.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه (بررسی اسناد سیورغال موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)». *گنجینه اسناد*، شماره ۶۷، صص ۶۳-۷۸.
- شریف، علی اصغر. (۱۳۵۲). «لغو تیول و تیول‌داری». *بررسی‌های تاریخی*، سال هشتم، شماره یک، پیاپی ۴۴ و ۴۵، صص ۷۹-۸۵.
- کاظم بیگی، محمدعلی. (۱۳۸۹). «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران». *تاریخ اسلام و ایران* دانشگاه الزهراء، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۶، پیاپی ۸۵، صص ۱۶۳-۲۰۳.
- نادی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۷). «تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار (مطالعه موردی: مازندران)». *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۲(۱۲)، صص ۹۲-۷۹.
- یوسفی فر، شهرام؛ محمدی، امین. (۱۳۹۸). «مسئله پرداخت موروثی در عصر قاجار (از استقرار مشروطیت تا پایان قاجار)». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۹(۲)، صص ۷۴-۱۰۴.



Kazembeyki, Mohammad-Ali. (2002). *Society, Politics and Economics in Mazandaran, Iran 1848-1914*. London: Routledge.

### English Translation of References

#### Documents

Markaz-e Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

GH1331-K51-P59-1; GH1332-K45-P12-39; GH1332-K45-P27-10-1;  
GH1333-K45-P79-6; GH1333-K45-P84-19; GH1333-K45-84-20; GH1333-K45-P95-42; GH1336-K46-P10-13. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

001754-230; 240-9226; 240-022356; 240-023095; 240-023559; 240-26331; 240-043987;  
240-53092; 240-57088; 240-101795; 293-002470; 293-002493; 295-7191; 999-34511. [Persian]

Sākmā, 295-7406 (*Daftar-e nevešte-jāt-e Māzandarān; Gozāreš-hā-ye Mo'ez-od-dowleh Bahrām Mirzāhākem-e Māzandarān, be tārix-e 1275 – 1290 AH* (Reports of Mo'ezz al-Dowleh Bahram Mirza, the Governor of Mazandaran, from 1275-1290 AH (1858-1873 AD)): page numbers: 62; 092; 098; 104; 112; 116; 124; 130; 136; 158; 164; 172; 180; 182; 196; 202; 204; 234; 240; 263; 316; 328; 356; 392; 400; 412. [Persian]

#### Books

Abbott, Keith Edward. (1983). "*Šahr-hāvatejārat-e Irāndardowre-ye Qājār*" (Cities & trade: Consul Abbott on the economy and society of Iran 1847-1866). Translated by SeyyedAbdolhosseinRaees Al-Sadat. Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1361/1982). "*Afzal ot-tavārix*" (The best of histories). Edited by MansourehEttehadieh (Nezam Mafi) & SirousSaadvandian. Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]



- Behnam, Jamshid; & Rasekh, Shapour. (1348/1969). *“Moqaddame bar jāme’-e-šenāsi-ye Irān”* (Introduction to Iranian sociology). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Haghdar, Ali Asghar. (1395/2006). *“Majles-e avvalvanahādi-ye mašrutiyat: Surat-e mozākerāt, mosavvabāt, asnād, xāterātvatārix-negāri-ye dowre-ye avval-e Majles-e Šorā-ye Melli”* (First parliament and institution of constitutionalism). Tehran: Bāšgāh-e Adabiyāt. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). *“Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Asr-e Qājār 1215-1332 AH”* (The economic history of Iran). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Kazembeyki, Mohammad-Ali. (2002). Society, politics and economics in Mazandaran, Iran 1848-1914. London: Routledge.
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1362/1983). *“Mālekvazāre’ dar Irān”* (Landlord and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration). Translated by Manouchehr Amiri. Tehran: Elmiva Farhangi (Elmi Farhangi Publishing Co.). [Persian]
- Molkara, Abbas Mirza. (1361/1982). *“Šarh-e hāl-e Abbās Mirzā Molk-ārā”* (The biography of Abbas Mirza Molkara). Edited by Abdolhossein Navaee. Tehran: Bābak. [Persian]
- Naeemaei Aali, Amin. (1391/2012). *“Moqaddame-ee bar tārix-e aqvām, tavāyefvaxāndān-hā-ye Kelarestāq (ČālusvaKelārdašt) vatārix-e xāndān-e Miyār”* (An introduction to the history of clans, tribes, and dynasties of Kelarestagh (Chalus and Kelardasht) and the history of the Miyar dynasty) (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Self-published. [Persian]
- Nezam Al-Saltaneh Mafi, Hossein Gholi Khan. (1362/1983). *“Asnādvaxāterāt-e Hossein Qoli Xān-e Nezām-os-Saltane-ye Māfi”* (Documents and memoirs of Hossein Gholikhan Khan Nizam Al-Saltanah Mafi) (vol. 1) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Masoumeh Nezam Mafi, Mansoureh Ettehadiieh, Sirous Saādvandian & Hamid Rampisheh. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Zell Al-Soltan, Masoud Mirza. (1368/1989). *“Xāterāt-e Zell-os-Soltānyāsargozašt-e Mas’udi”* (Memoirs of Zill al-Sultan) (1<sup>st</sup> ed.). Edited by Hossein Khadiv Jam. Tehran: Asātir. [Persian]



### Articles

- Ettehadieh, Mansoureh. (1373/1994). "Tehrānvaamlāk-e xālese-ye Varāmin" (Tehran and the Net Estates of Varamin). *Dāneškade-ye Adabiyātva 'Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran), 32(1 - 4), pp. 9 - 45. [Persian]
- Hasanabadi, Abolfazl. (1386/2007). "Negāhi be asnād-e Soyurqāldardowre-ye Safaviyeh (Barresi-ye asnād-e Soyurqāl-e mowjuddarmarkaz-e asnād-e Āstān-e Qods-e Razavi)" (A Review of Soyurghal Records in the Safavid Era (A Study of Soyurghal Records in the AstaneGhodseRazavi Record Center)). *Ganjine-ye Asnād*, 67, pp. 63 - 78. [Persian]
- Kazembeiki, Mohammad Ali. (1389/2010). "Eslāhāt-e māli-ye majles-e avvalvaejrā-ye āndarMāzandarān" (Financial reforms of the first parliament and its implementation in Mazandaran). *Tārix-e Eslām va IrānDānešgāh-e Azzahrā* (History of Islam and Iran of Alzahra University), 20(6), series no. 85, pp. 163 - 203. [Persian]
- Sharif, Ali Asghar. (1352/1973). "Laqv-e toyulvatoyul-dāri" (The abolition of fief sharecropping). *Barresi-hā-ye Tārixī*, 8(1), series no. 44 & 45, 79 - 85. [Persian]
- Yousefifar, Shahram; & Mohammadi, Amin. (1398/2019). "Mas'ale-ye pardāxt-e mavājeb-e mowrusidarasr-e Qājār (Azesteqrār-e mašrutiyattāpāyān-e Qājār)" (The problem of inheritance pay in the Qajar era). *Tahqiqāt-e Tārix-e Ejtemā'ee* (Social History Studies), 9(2), 74 - 104. [Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





پیوستها

۹۹۹  
۱۳۳۲

نصرت تسان بیگم کرم  
عزیز داشت چاکر میرزا نصر علی صاحب زاری است که تبت بی چاره مانگ

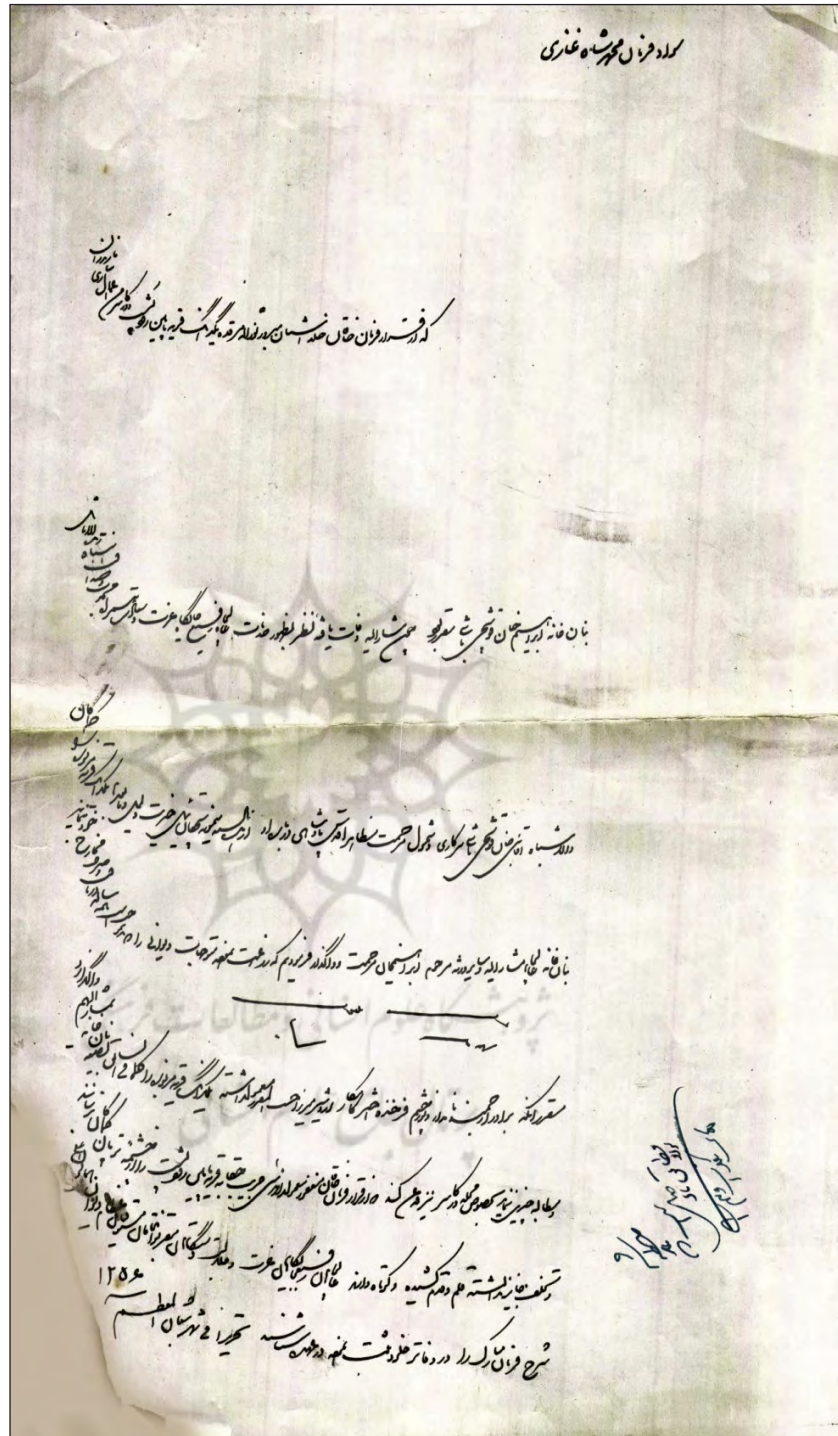
از دست اجانب گرفتار باشیم خصوصاً از دست تبارت عبد السلام کنت و در دست وفادار ناصر اعظم  
مشرقی تا مدت ها که در سابق در ایوان غوغا نظر داشت اکثر قدرت است بهر آنکه  
بدون شکر کنت ولایت است هزارگان را بدو فرمانده هزاره است لیکن با موجب تکرار و فحش از طرف  
تاکتیک و مانع از رسیدن غیر علی کنت نظام ایستاد که در دست در طهران گرفتار شده بود در دست  
گرفته و به کنت پیش نهاد نمودند و او را کوه کوه ساعتی دست ایستاد جلیله و کات قدر است  
هزارگان از عید السلام کنت اجازه نمایند غلام است ما و در زوای بی غیر از آنکه  
استند مگر همان در دست طهران استند و از ولایت ایران خبر برادر پسر موجب از دست  
چه مکتوبید و چهار مکتوبید هر دو در انشاء الله تعالی شما در انقضای است ذمیر است  
دوره بی بیاید نماز روزانه که در دست و از دست ظلم ظلم خارج خصوصاً عبد السلام کنت  
ردس خارج ذمیر غیر از اراد نماز روزانه تمام است بهمان قسم در اجازه کنت است  
چنانکه اخبار کار کار از کنت مکتوب میرد و کار از ما که چیز باقی میماند شرف ایران  
دارای را بوده است ما هم نیست نواریم دیگر فرد بر اینر امید داریم که حضرت امیر عالی  
در باره در زوای نیست که این قدرت است خط را از ما میاید که ان دفع ذمیر

ایم دست تمام است  
امیر اعظم

لطال اولاد  
از عزیز

تصویر ۱





تصویر ۲